



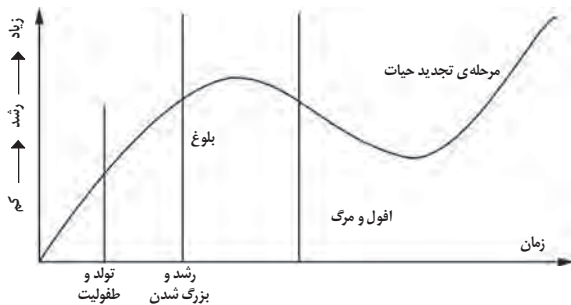
## مدیریت راهبردی مهندسی فرهنگی

### مقدمه

می شود، نقطه‌ی آغاز چرخه‌ی زندگی مجددی آغاز می گردد که آن را تجدید حیات سازمانی می گویند.

«طرح تهیه و تدوین نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور»، نقطه‌ی عطف آغاز تجدید حیات نو در پیکره‌ی نظام مقدس جمهوری اسلامی است. در واقع، درست در زمانی که این حکومت مقدس در اوج قدرت و مرحله‌ی بلوغ و شکوفایی خود به سر می برد، با دوراندیشی حکیمانه‌ی رهبر عزیز انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای، موضوع نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور یا نقشه‌ی راه مرحله‌ی جدیدی از تجدید حیات جامعه اسلامی مطرح شد. بدیهی است، تحقق و پیاده‌سازی نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور مستلزم برخورداری از نظام مدیریت راهبردی فرهنگی کشور است. در حقیقت، هدایت و رهبری

بی شک جوامع در طول دوره‌ی عمر خود، یک چرخه‌ی حیاتی را سپری می کنند. در واقع، جوامع نیز همانند موجودات زنده، متولد می شوند، رشد می کنند، بالغ می شوند، تکامل می یابند و سرانجام چرخه‌ی افول را شروع می کنند. بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی و مدیریت بر این باورند که چنانچه رهبران جوامع، تغییر و تحولات پیرامونی را خوب تشخیص دهند، بتوانند جهت گیری درست و صحیحی برای جامعه‌ی خود طراحی و تدوین کنند و عزمی ملی در جهت دستیابی به آن فراهم سازند، دوره‌ی عمر جامعه خود را ارتقا می بخشند. در واقع، درست در نقطه‌ای که مرحله‌ی افول یک سازمان یا جامعه شروع



### چرخه‌ی حیات سازمان

### نمودار ۱

دقیق اجزا و عناصر اصلی فرهنگ (در سطوح و لایه‌های متفاوت)، تعیین روابط نظام مند بین اجزا و عناصر اصلی فرهنگ، و چینش موزون و برقراری ارتباط منطقی بین اجزای اصلی فرهنگ به گونه‌ای که نظام فرهنگی (در سطوح جهانی، ملی، تخصصی، سازمانی و گروهی) به انجام درست کارها و انجام کارهای درست منجر شود [فرهی، ۱۳۸۵ (ب)].

بنابراین، در مهندسی فرهنگ کانون توجه، فرهنگ جامعه است و هدف آن شناخت عمیق اجزا و عناصر و روابط بین آن‌ها و باز طراحی و ساخت دهی مجدد براساس اهداف و کارکردهای موردانتظار از آن، با توجه به مجموعه‌ی مقتضیات و شرایط است [ناظمی اردکانی، ۱۳۸۵: ۲۸].

یادآوری این نکته ضروری است که اجزا و عناصر اصلی هر نظام فرهنگی، متشکل از نظام باورها و اعتقادات و مفروضات اساسی، نظام ارزش‌ها و نگرش‌ها، و نظام رفتارها، مصنوعات و محصولات است. بنابراین، در مهندسی فرهنگ نسبت به شناخت دقیق این سه نظام در سطوح و لایه‌های متفاوت فرهنگی (جهان، ایران، نظام‌های تخصصی، سازمان، و محصول و مصنوع) اقدام می‌شود و روابط منطقی بین اجزا مورد تجزیه و تحلیل فرهنگی قرار می‌گیرد. در صورتی که بین اجزای اصلی مغایرت یا عدم ارتباط منطقی و موزون مشاهده شود، نسبت به باز مهندسی و باز طراحی آن‌ها براساس اهداف و کارکردهای مورد انتظار اقدام می‌شود.

۴. مهندسی فرهنگی کشور: هنگامی که موضوع مهندسی فرهنگی کشور مطرح می‌شود، نظام‌های متفاوت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه به ذهن متبادر می‌شوند. در حقیقت، این که کدام یک از این نظام‌های چهارگانه مبنا و محور طراحی و معماری سایر نظام‌ها باشد، مورد بحث قرار

کشور به سمت چشم انداز نظام مقدس جمهوری اسلامی، تنها با رویکرد فرهنگی، یعنی رویکرد اسلامی، باید صورت گیرد.

برای دستیابی به چنین اهدافی نظام مدیریت عالی باید به گونه‌ای طراحی شود که در حوزه‌ی راهبردی آن، امر سیاست گذاری، برنامه ریزی کلان و هدایت عالی از طریق ایجاد نهادها و تشکیلات مربوطه، اعم از شورای عالی تا کمیسیون‌ها و کمیته‌های زیرمجموعه‌ی آن به نحوی شایسته صورت گیرد. در حوزه‌ی پشتیبانی، یعنی سطح میانی مدیریتی کشور نیز، سازمان‌ها و دستگاه‌های متفاوت باید ملزم به انجام پشتیبانی‌های مالی، انسانی، مقرراتی و... از سیاست‌های اتخاذ شده درخصوص مهندسی فرهنگی کشور توسط نهادهای حوزه‌ی راهبردی شوند. در حوزه‌ی اجرا نیز نهادها، سازمان‌ها و مؤسسات عملیاتی باید برنامه‌های مهندسی فرهنگی را در چارچوب سیاست‌ها و دستورالعمل‌های ابلاغی از رده‌های بالاتر، اجرا و پیاده‌سازی کنند.

### تعریف مفاهیم پایه و اساسی

۱. مدیریت: فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و براساس نظام ارزشی مورد قبول، در یک محیط در حال تغییر صورت می‌گیرد [رضائیان، ۱۳۷۶: ۱۲].

۲. فرهنگ: مجموعه‌ای از باورها و اعتقادات، ارزش‌ها و نگرش‌ها، نرم‌ها و هنجارها که در نحوه‌ی گفتار، کردار، اعمال، استفاده از اشیا، ابزار احساسات، دست ساخت‌ها و مصنوعات، جشن‌ها و مراسم، آداب و رسوم، مناسک و شعائر، زبان و لباس نمود و تجلی پیدا می‌کند ریشه‌ی تاریخی دارد، و همواره در انطباق با مسائل محیطی آموخته می‌شود، موجب انسجام بخشی درونی می‌شود و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد [فرهی، ۱۳۸۵ (الف)].

۳. مهندسی فرهنگ: مفهوم مهندسی فرهنگ ریشه در دو مفهوم «تفکر سیستمی» و «تفکر فرهنگی» دارد. در تفکر سیستمی، به شناخت دقیق اجزای سیستم، تعیین روابط نظام مند بین اجزا و برقراری ارتباط منطقی بین اجزا پرداخته می‌شود. درحالی که در تفکر فرهنگی، به شناخت اجزا و عناصر فرهنگ در سطوح و لایه‌های گوناگون (جهانی، ملی، تخصصی، سازمانی و محصولات و مصنوعات) پرداخته می‌شود. بر این اساس، مهندسی فرهنگ یعنی: شناخت

می‌گیرد. به عبارت دیگر، جامعه‌هنگامی از تعادل یا نظم اجتماعی برخوردار است که نظام‌های فرعی چهارگانه‌ی آن در تعاملی پویا و سازنده و دارای روابط منطقی و موزون با یکدیگر باشند [ناظمی، ۱۳۸۵: ۲۹]. از طرف دیگر باید اذعان داشت که نظم منطقی، موزون و پایدار بین این نظام‌های فرعی چهارگانه زمانی برقرار می‌شود که کارکرد نهایی دستگاه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور، هماهنگ با اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی و دارای حداکثر کارایی و اثربخشی باشد [فرهی، ۱۳۸۵ (الف): ۸۶].

بنابراین، مهندسی فرهنگی کشور، نوسازی و بازسازی کلان نظام کشور و نظام‌های فرعی مربوط به دستگاه‌ها، سیاست‌ها، قوانین و سازوکارها برای تحقق فرهنگ آرمانی و فرهنگ هدف است [ناظمی، ۱۳۸۵: ۵۰]. و یا، عبارت است از فرایند باطراحی وحدت‌بخش و هدفمند نظام فرهنگی مهندسی‌شده با سایر نظام‌های هم‌عرض به‌عنوان یک نظام یکپارچه و واحد [رازنهان، ۱۳۸۶: ۴۳]. و سرانجام این که مهندسی فرهنگی کشور، نوسازی و بازسازی زیر نظام‌های کشور را در چارچوب هندسه‌ی عمومی جامعه، یعنی قانون اساسی در پی خواهد داشت، تا امکان بالفعل شدن همه‌ی توانایی‌های کشور و به‌خصوص توانایی‌های انسانی، بر بستر فرهنگ و ارزش‌های الهی و اسلامی فراهم آید.

۵. مدیریت راهبردی فرهنگی کشور: نظام مدیریت عالی (راهبردی) فرهنگی کشور به امر تعیین سیاست‌های کلان، تدوین برنامه‌های راهبردی، هدایت و انجام نظارت عالی بر فرایند انجام مهندسی فرهنگ، و مهندسی فرهنگی کشور می‌پردازد. این نظام در سه عرصه‌ی راهبردی (مدیریت عالی نظام)، پشتیبانی (مدیریت میانی نظام) و اجرایی (مدیریت عملیاتی نظام) به‌منظور تحقق نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور، سامان‌دهی می‌شود [فرهی، ۱۳۸۶ (الف): ۲۹]. بدیهی است که در هر حوزه، سازمان‌ها، نهادها و تشکیلاتی مسئولیت انجام وظایف و مأموریت‌های محوله را بر عهده خواهند گرفت.

انجام وظایف مدیریت راهبردی فرهنگی کشور، اساسی‌ترین الزام برای اجرای نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور است. در حقیقت، در صورت اعمال اختیارات مدیریت راهبردی فرهنگی کشور است که ساختارهای موجود کشور، اعم از سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی در جهت تحقق فرهنگ هدف،

هدایت و جهت داده می‌شوند و کارکردهای موردانتظار را تولید می‌کنند [ناظمی، ۱۳۸۵: ۶۰].

### ضرورت و اهمیت تهیه‌ی نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور

با توجه به چالش‌های پیش روی نظام مقدس جمهوری اسلامی، و نیز ملاحظه‌ی واقعیات و پیش‌فرض‌ها، ضرورت و اهمیت تهیه‌ی نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور معلوم می‌شود.

#### ۱. چالش‌های پیش رو:

جهانی شدن و جهانی سازی: واقعیت این است که به تبع تغییر و تحولات محیطی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، فناورانه و فرهنگی)، جهان به سمت یکپارچگی و تبدیل به دهکده‌ای واحد گام برمی‌دارد.

از الزامات کار و زندگی در محیط جهانی، تبعیت از قوانین، نرم‌ها و هنجارهای واحد است. از طرف دیگر، سردمداران جهانی سازی به دنبال حذف باورها، ارزش‌ها، نرم‌ها و هنجارهای بومی، ملی و منطقه‌ای، و ترویج فرهنگ لیبرالیسم و جداسازی دین از عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی هستند. بر این اساس، یکی از چالش‌های اساسی پیش روی نظام مقدس جمهوری اسلامی، موضوع جهانی شدن و جهانی سازی است که باید برای مواجهه با آن تدبیری اندیشید و این مهم از طریق تهیه‌ی نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور امکان‌پذیر است.

● ناتوی فرهنگی / تهاجم فرهنگی یا شبیخون فرهنگی: با فروپاشی بلوک شرق و شکل‌گیری نهضت بیداری اسلامی، تقابل فرهنگی غرب با فرهنگ اسلامی و به‌خصوص فرهنگ شیعی، شدت گرفته است؛ تا جایی که تئوری پردازانی از غرب هم‌چون هانتینگتون، نظریه‌ی برخورد تمدن‌ها را مطرح ساخته‌اند. در حقیقت آشکار شدن پیوند ناگسستنی سلطه‌ی اقتصادی / سیاسی با سیطره‌ی فرهنگی سبب شدت گرفتن تقابل فرهنگ غرب با فرهنگ اسلامی شده است؛ آن‌چه که مقام معظم رهبری از آن تحت عنوان «ناتوی فرهنگی» یاد کرده‌اند.

● تغییرات شدید محیطی (تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهان): نوسانات شدید قیمت نفت، بازار بورس جهانی را شدیداً تحت تأثیر قرار داده و بسیاری از شرکت‌ها و حتی حکومت‌های محلی را با سقوط و ورشکستگی مواجه ساخته است. از طرف دیگر، موج بیداری کشورهای مستضعف جهان و نهضت بیداری مسلمانان، و نیز تغییر و تحولات سیاسی در عرصه‌ی بین‌الملل، شرایط محیطی را بیش از هر زمان دیگر متلاطم ساخته است. لازمی بقا در چنین



بیگانه به ویژه فرهنگ غرب مورد تهاجم قرار گرفته و تأثیر پذیرفته است. در مقاطعی نیز، به تبع نظام حاکم، فرهنگ غرب، فرهنگ غالب مردم ایران شده بود. به همین دلیل، فرهنگ امروز ما ایرانیان از سه نوع فرهنگ ایرانی، اسلامی و غربی متشکل است. و بسیاری از باورهای نادرست، ارزش‌های ناصواب و آموزه‌های غلط در طول سالیان دراز وارد فرهنگ کشور ما شده‌اند که به بازنگری، واکاوی و مهندسی مجدد نیاز دارند.

● کم‌توجهی و حساس نبودن سازمان‌ها و آحاد مردم نسبت به آلوده کردن محیط زیست فرهنگی: واقعیت این است که فرهنگ، محیط زیست انسانی را تشکیل می‌دهد و همه‌ی انسان‌ها، سازمان‌ها و جوامع در محیط زیست فرهنگی زندگی می‌کنند. بر این اساس، هم از این محیط زیست تأثیر می‌پذیرند و هم بر آن تأثیر می‌گذارند. باید اذعان داشت، سازمان‌ها، جوامع و انسان‌ها با وجود این که در این محیط زیست تنفس می‌کنند (مثل موجودات زنده در آب اقیانوس)، ولی نسبت به اثرگذاری و بعضاً آلوده کردن این محیط زیست غافل، بی‌توجه و غیرحساس‌اند.

● حساس نبودن بعضی از بخش‌های اجتماع نسبت به تخریب ارزش‌های فرهنگی (تنها به فکر ارائه‌ی محصول یا خدمت و کسب سود هستند): تفکر فردگرایی بین انسان‌ها، بخشی‌نگری در واحدهای متفاوت اجتماع، و سودجویی و منفعت‌طلبی سبب شده است، بعضی تنها به فکر تولید محصول یا خدمت خود و عرضه‌ی آن به جامعه باشند؛ بدون توجه به این نکته که ممکن است محصول یا مصنوعی که تولید و به جامعه عرضه کرده است، موجب تخریب ارزش‌های فرهنگی جامعه شود. نمونه‌های بسیاری از تولید انواع لباس، پوشاک، وسایل و لوازم مصرفی، و اسباب بازی، گویای حساس نبودن بعضی از بخش‌های جامعه نسبت به تخریب ارزش‌های فرهنگی است.

با ملاحظه‌ی چالش‌ها و واقعیات پیش‌رو، ضرورت پرداختن به موضوع فرهنگ جامعه با رویکرد سیستمی یک الزام قطعی است. بر این اساس، فرهنگ به مثابه یک سیستم اجتماعی فرض می‌شود که اجزا و عناصر آن دارای روابط منطقی و موزون با یکدیگرند. در این راستا تلاش بر آن است که با رویکرد مهندسی سیستم، اجزا و عناصر فرهنگ در سطوح و لایه‌های متفاوت به‌خوبی شناسایی شوند و نسبت به هر محصول، مصنوع یا خدمت، با رویکرد مهندسی فرهنگی، ساختارها و سازمان‌های

تلاطم محیطی، برخورداری از نقشه‌ی راه و داشتن اهدافی روشن، شفاف و مشترک است که این مهم از طریق تهیه‌ی نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور حاصل می‌شود.

● رشد سریع فناوری (ماهواره، اینترنت، موبایل، رایانه و...): سرعت تغییرات فناورانه در عصر حاضر به حدی بالا است که میزان تغییرات در هر یک سال برابر با ۱۰۰ سال در ۵۰ سال پیش برآورد می‌شود. بدیهی است، ورود فناوری‌های جدید در زندگی کاری و اجتماعی انسان‌ها، با خود نرم‌ها و هنجارهای رفتاری خاص را می‌آورد که خیلی سریع به ارزش تبدیل می‌شوند و ممکن است، با ارزش‌های فرهنگی جامعه‌ی ما هم‌خوانی نداشته باشند.

● عملیات روانی و تبلیغات شدید دشمنان اسلام علیه حکومت جمهوری اسلامی: با توجه به این که بیش از ۹۸ درصد سازوکارهای تبلیغاتی جهان و مشخصاً رادیو و تلویزیون و سایت‌های خبری و تبلیغاتی جهان، تحت کنترل و نفوذ صهیونیسم جهانی است، شیوع شدید عملیات روانی و تبلیغات علیه اسلام و حکومت جمهوری اسلامی، روز به روز افزون‌تر می‌شود. این در حالی است که عامه‌ی مردم نسبت به این میزان از تبلیغات مسموم علیه جمهوری اسلامی آگاهی کافی ندارند.

## ۲. ملاحظات و واقعیات موجود

● دل خوش داشتن به داشته‌های قبلی و تجربیات پیشینیان: واقعیت این است که در کشورهای درحال توسعه از جمله کشور ایران، به دلیل برخورداری از سابقه‌ی تاریخی چند هزار ساله، عمدتاً در سطوح متفاوت جامعه، دل خوش داشتن به داشته‌های قبلی یک سنت متداول است. این در حالی است که جهان با سرعتی شگفت‌انگیز در حال تحول و دگرگونی است و تجربیات گذشته، کارایی خود را در مواجهه با مسائل جدید از دست داده‌اند.

● نبود تفکر سیستمی و جامع‌نگری نسبت به مسائل: واقعیات موجود در کشور گویای آن است که به دلیل بخشی‌نگری در بخش‌های گوناگون کشور، هر یک از بخش‌ها به تنهایی در فکر توسعه و تکامل خویش است. غافل از این که توسعه و پیشرفت در یک نظام اجتماعی زمانی کامل خواهد بود که همه‌ی بخش‌ها با هم توسعه یابند. این واقعیت ناشی از تفکر بخشی‌نگری و غفلت از جامع‌نگری و نداشتن تفکر سیستمی است.

● وجود باورهای نادرست، ارزش‌های ناشایست و آموزه‌های غلط: فرهنگ مردم مسلمان ایران طی چند قرن گذشته از سوی فرهنگ‌های

حوزه‌ی مدیریتی	وظایف و مأموریت	نظامات	لایه‌های فرهنگ	ماهیت فرهنگ	توضیح
راهبردی	- سیاست‌گذاری - هدایت عالی - نظارت عالی - تدوین برنامه‌های راهبردی	- اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - فرهنگی	- ملی - عمومی - تخصصی - حرفه‌ای - سازمانی	- نمادها و مصنوعات - ارزش‌ها - مفروضات	ترکیب سه مفهوم مهندسی فرهنگ، مهندسی فرهنگی و مدیریت فرهنگی چارچوب مستحکمی را برای تهیه‌ی نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور فراهم آورده است.
پشتیبانی	- تخصیص منابع - تدوین نظامات - مالی - قانونی - تدارکاتی - انسانی	- اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - فرهنگی	- ملی - عمومی - تخصصی - حرفه‌ای - سازمانی	- نمادها و مصنوعات - ارزش‌ها - مفروضات	- - - - -
اجرایی	- اجرای برنامه‌ها - تهیه‌ی برنامه‌ی عملیاتی - ارزیابی - ارائه گزارش	- اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - فرهنگی	- ملی - عمومی - تخصصی - حرفه‌ای - سازمانی	- نمادها و مصنوعات - ارزش‌ها - مفروضات	- - - - -

تولیدکننده‌ی آن محصول و مصنوع مورد بازنگری قرار گیرند و در یک نگاه راهبردی، مدیریت عالی نظام در جهت ایجاد هماهنگی بین اجزا و عناصر ساختارها و کارکردها، ایفای نقش کند.

#### رابطه‌ی بین مهندسی فرهنگی و مدیریت راهبردی فرهنگی کشور

اجرای نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور مستلزم اعمال مدیریت راهبردی فرهنگی کشور است. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرمایند: «یک متولی و یک مرکز می‌خواهد تا از یک طرف مهندسی کند، یعنی با یک فکر کلان با یک نگاه برتر از همه‌ی جریان‌های فرهنگی در داخل کشور، ببیند حقیقت فرهنگی و عنصر فرهنگی چگونه و با چه کیفیتی باید باشد، به کدام سمت باید برود و کجاها پیش ایراد دارد، و از سوی دیگر، مراقبت کند که این کارها انجام بگیرد.»

نظام مدیریت عالی کشور، به معنای تعیین سیاست‌های کلان، تدوین برنامه‌های راهبردی، هدایت عالی و انجام نظارت عالی بفرایند انجام مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور است. نظام مدیریت راهبردی فرهنگ کشور در سه سطح راهبردی، پشتیبانی و اجرایی تعریف می‌شود.

نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور، نقشه‌ی راه است. ابزار، روش و مسیری است که ما را به چشم‌انداز مطلوب جامعه می‌رساند. در حقیقت، مسیر توسعه و ویژگی‌های توسعه‌یافتگی را در افق چشم‌انداز

#### ۳. پیش‌فرض‌ها

انقلاب اسلامی ایران، انقلابی فرهنگی است. در حقیقت انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، در جهت احیای ارزش‌ها و باورهای دینی در الگوهای رفتاری مردم مسلمان به وقوع پیوست. این نهال نوپا با خون‌هایی که در طول هشت سال دفاع مقدس توسط فرزندان این مرز و بوم داده شد، آبیاری گردید و بدین ترتیب، ارزش‌های اصیل اسلامی در رگ و پوست و جان آحاد ملت مسلمان نهادینه شد.

وجه‌میزه‌ی کشور جمهوری اسلامی ایران نسبت به سایر کشورها، پایداری، ایستادگی و اصرار بر هویت دینی-اسلامی آن است.

حراست و پاس‌داری از ارزش‌های اصیل اسلامی-دینی، مستلزم داشتن تفکر مهندسی-سیستمی نسبت به فرهنگ بوده و فرهنگ را با رویکرد راهبردی قابل مدیریت دانستن است.

بر این اساس، تهیه‌ی نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور با رویکرد سیستمی و حساس کردن کل کشور نسبت به محیط



بخش نامه‌ها و دستورالعمل‌های سطح میانی سازمان عمل می‌کند. نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور سه مفهوم اساسی را در بر دارد:

۱. مهندسی فرهنگ: شناخت دقیق اجزا و عناصر فرهنگ در سطوح و لایه‌های گوناگون (جهانی، ملی، تخصصی، سازمانی، و محصولات و مصنوعات) است.
۲. مهندسی فرهنگی کشور: بازسازی و نوسازی کلی ساختارها، محصولات و خدمات تولید شده توسط سازمان‌ها و دستگاه‌های متفاوت کشور با رویکرد فرهنگی است.

۳. مدیریت راهبردی فرهنگی کشور: پیاده‌سازی و اجرای نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور مستلزم اعمال مدیریت راهبردی کشور در سه حوزه‌ی راهبردی، پشتیبانی و اجرایی است. بنابراین می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور نقشه‌ی راه و نقشه‌ی هدف است، در حالی که مدیریت راهبردی فرهنگی کشور، اعمال مدیریت (برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت، نظارت و کنترل) در جهت پیاده‌سازی نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور و دست‌یابی کشور به افق‌های بلندمدت بر اساس چشم‌انداز نظام است.

#### منابع:

۱. ناظمی، مهدی. مبانی و چگونگی ترسیم نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور. جزوه‌ی منتشر نشده. ۱۳۸۶.
۲. تحلیلی بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در خصوص مهندسی فرهنگی کشور. چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۳۸۵.
۳. فرهی بوزنجانی، برزو و همکاران. نظام جامع توسعه‌ی فرهنگ عمومی (اخلاق اجتماعی). وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. شورای فرهنگ عمومی. ۱۳۸۴.
۴. فرهی بوزنجانی، برزو. تعامل سند چشم‌انداز نظام با نقشه مهندسی فرهنگی کشور و سندهای نظام جامعه توسعه. همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴، ظرفیت‌ها و بایستگی، چالش‌ها و فرصت‌ها. زمستان ۱۳۸۵. (الف).
۵. فرهنگ سازمانی و استانداردسازی رفتار. همایش استانداردسازی رفتار پلیس. پاییز ۱۳۸۵ (ب).
۶. تجزیه و تحلیل سیستم‌ها و روش‌ها. انتشارات معاونت آموزشی دانشگاه امام حسین (ع). ۱۳۷۷.
۷. فقیه، هادی. روش‌شناسی تهیه و تولید نظام جامع توسعه. جزوه‌ی منتشر شده. تابستان ۱۳۸۶.
۸. مبینی دهکردی، علی. متدلوژی تدوین و الگوهای اجرایی چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران. همایش ملی سند چشم‌انداز، ظرفیت‌ها و بایستگی‌ها، چالش‌ها و فرصت‌ها. زمستان ۱۳۸۵.
۹. رازنهان، فیروز. مهندسی فرهنگی کشور، پیش‌شرط تحقق سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران. همایش ملی سند چشم‌انداز، ظرفیت‌ها و بایستگی‌ها، چالش‌ها و فرصت‌ها. زمستان ۱۳۸۵.

تعریف و تبیین می‌کند. پیاده‌سازی و عملیاتی کردن این نقشه مستلزم انجام و اعمال مدیریت راهبردی فرهنگی است؛ یعنی اعمال مدیریت در سطح کلان نظام جامعه و معطوف به تمامی زیر نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه. بدیهی است، نهادینه‌سازی ارزش‌ها و باورهای اصیل اسلامی در همه‌ی صحنه‌های زندگی اجتماعی و در سطوح و لایه‌های گوناگون جامعه، مستلزم اعمال مدیریت در سلسله‌مراتب مدیریتی، اعم از حوزه‌ی راهبردی، حوزه‌ی پشتیبانی و حوزه‌ی اجرایی نظام جامعه است.



#### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مدیریت را فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع و امکانات سازمانی در انجام وظایف برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت و نظارت و کنترل جهت دست‌یابی به اهداف سازمانی تعریف کرده‌اند. برای هر سازمان (در مقیاس خرد) و یا هر جامعه‌ای (در مقیاس کلان)، سلسله‌مراتب مدیریت قائل هستند. بخشی از مدیریت که به امر سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی کلان، هدایت و نظارت عالی می‌پردازد، مدیریت عالی نامیده می‌شود که اصطلاحاً هدایت حوزه‌ی راهبردی نظام و یا سازمان را برعهده دارد. بخشی از مدیریت که به امر پشتیبانی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری (مالی، انسانی، مقرراتی و...) سازمان می‌پردازد، مدیریت میانی نامیده می‌شود. در پایین‌ترین سطح سازمان، مدیریت عملیاتی نظام بر اساس آیین‌نامه‌ها،